

باقر خان سالار ملی

باقر خان سالار ملی قبل از مشروطیت بنا بود. پس از مشروطیت مجاهد شد. ریاست مجاهدین محله خیابان (خیابان یکی از محلات قدیمی تبریز است مشتمل بر بخش های واقع در جنوب رودخانه آجی در شرق شهر که تا جنوب شرقی نیز میرسید)، تبریز به دست او افتاد. پس از به توپ بستن مجلس، به دستور انجمن ایالتی مانند ستارخان دست به اسلحه برد و با قشون دولتی که تبریز را در محاصره داشت جنگ کرد. اما پس از اولین شکست که از قشون دولتی خورد، سست شده در صدد تسلیم برآمد. تا کار ستارخان که در امیرخیز، محله دیگر تبریز با دولتیان جنگ می کرد قوت گرفت، وی نیز سستی را از خود دور ساخته بار دیگر به جنگ با قشون دولتی پرداخت. در اثر همکاری او با ستارخان کار مشروطه طلبان پیشرفت کرد و تبریز از فشار محاصره راحت شد. انجمن ایالتی تبریز باقرخان را به لقب سالار ملی ملقب ساخت، و از او تقدیر کرد و آوازه اشتهارش در سراسر ایران پیچید. چنانکه در تواریخ مشروطیت نوشته اند، در اثر مجاهدت ستارخان و باقرخان مشروطیت نجات یافت. اما خود تبریز دیری نگذشت که به دست قشون روس افتاد. سالار ملی و سردار ملی در تبریز نماندند و به تهران حرکت کردند. یک استقبال شاهانه از این دو مجاهد شجاع از طرف دولت مشروطه به عمل آمد.

باقرخان در تهران منزوی میزیست تا قضیه مهاجرت پیش آمد. او دیگر در تهران درنگ نکرد و دنبال مهاجرین رفت. شبی در نزدیکی قصر شیرین عده ای از اکراد بر سر او و رفقاییش ریختند و سرشان را بردند. (مرگ باقرخان به همراه هجده نفر از یاران و همراهانش در محرم ۱۳۳۵ قمری / آبان ۱۲۹۵ خورشیدی به دست یکی از اشرار معروف اکراد قصرشیرین به نام محمد امین طالبانی به قصد تصاحب اسب و وسائل مهمانان خود، صورت گرفت.)

باقرخان بر خلاف ستارخان که شیخی بود، از متشرعه بود. از علمای مخالف مشروطیت که متشرعه بودند جانبداری می کرد و به آنها احترام می گذاشت. با ستارخان رقابت داشت و می گفت: مرد آن نیست که در امیرخیز جنگ کند. مرد منم که در ساری داغ با قشون دولتی جنگ کرده ام. علی رغم این سخن این دو بزرگوار دو بازوی قوی و شکست ناپذیر انقلاب مشروطیت بودند در هر حال سالار ملی مردی جسور و ساده بود. حق بزرگی به گردن مشروطیت ایران دارد. او و ستارخان برای مشروطیت با قوای دولتی به جنگ برخاستند و موفق شدند. پس از آنکه مشروطیت بار دیگر مستقر گردید این دو نفر به عنوان قهرمان مشروطیت معرفی شدند؛ چه، مشروطیت برای خود قهرمان لازم داشت. این دو نفر از توده برخاسته بودند، در سخت ترین ایام با

اتکاء به توده تبریز با شاه مستبد مبارزه کرده بودند؛ یک حرکت و نهضت ملی را رهبری کرده بودند، مسلمان بودند و به مشروطیت ایمان داشتند. این بود که به آسانی قهرمان ملت شناخته شدند.

دمکراتهای آذربایجان که نهضت خود را در دنباله نهضت مشروطیت و مکمل آن و خود را وارث سنن مجاهدین آن دوره می دانستند، مجسمه باقر خان را در میدان شهرداری تبریز نصب کردند. در ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۵ پس از سقوط پیشه وری مردم در تحت تأثیر احساسات آن مجسمه را که اثر دمکراتها بود برانداختند. از این عمل معلوم می شود که نهضت پیشه وری چقدر به ضرر مشروطیت و آزادی و این قبیل معانی بوده است.

داماد باقر خان سرتیپ هاشمی است که فرمانده قوای دولتی مأمور آذربایجان بود که در طی جنگی مختصر قوای دمکراتها را در قافلانکوه مغلوب کرد و در میدان جنگ به درجه سرتیپی نایل آمد.